

استاد مصطفیٰ علیزاده

مؤلف و مترجم



زندگی در شهرهای بزرگ امروز دنیا با گذشته فرق دارد. خانواده‌ها در آپارتمان‌های کوچک، زندانی شده‌اند و فضا و هوای لازم برای رشد جسمی و حرکتی کودک فراهم نیست.

کودک نوپا به دنبال کشف جهان اطراف خویش است و به فضا و مکان گسترده‌ای نیاز دارد.

انبوه جمعیت در شهرها و منطقه‌های شهر هم عادی نیست. کودک باید کنار آمدن در این شرایط را بیاموزد. او نیاز به یادگیری ایجاد روابط سازنده و سالم با دیگران را دارد.

این ضروریات است که اهمیت ایجاد شیرخوارگاه، مهد یا کودکستان را دوچندان ساخته است. در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی در کنار کارخانه‌ها، اداره‌ها، شرکت‌ها، شیرخوارگاه‌ها و کودکستان‌هایی برپا ساخته‌اند و به مادرهای شیرده‌ی شاغل، مرخصی ساعتی می‌دهند تا به کودکان زیر یک‌سال خویش شیر بدهند.

زندگی در عصر ماشینی، اشتغال پدر و مادر در بیرون از خانه و نیز محدودبودن فضای زیست کودکان در شهرهای بزرگ (آپارتمان‌نشینی) از یک‌سو و لزوم برخورداری کودک از پرورش علمی، منطبق بر اصل‌های پذیرفته شده‌ی تعلیمی و تربیتی در ایران امروز از سوی دیگر، حکم می‌کند که به منظور پی‌ریزی آینده‌ای مطمئن برای فرزندان مان و آشنا کردن آنان با زندگی اجتماعی و اصل‌های همکاری و تعاون، کودکان را در فاصله‌ی سنی ۲ تا ۶ سالگی به مراکز رسمی تربیت بسپاریم.

به تجربه ثابت شده است کودکانی که قبل از حضور در دبستان، سال‌هایی را در مهد کودک به سر برده‌اند، در برقراری روابط اجتماعی مشکلی ندارند و خیلی زود، شخصیت خود را نشان می‌دهند و به هنگام حضور در دبستان، اضطراب جداشدن از محیط خانوادگی و نگرانی ناتوان‌بودن از ایجاد رابطه با دیگر هم‌سالان، را ندارند. به همین سبب، مرحله‌ی پرورش در سال‌های قبل از دبستان، در جهان امروز از حساس‌ترین مرحله‌های تعلیم و تربیت به‌شمار می‌آید و هر سال برنامه‌های گسترده‌ای برای این منظور به اجرا گذاشته می‌شود.

خوشبختانه در سال‌های اخیر، اهمیت تربیت در سنین قبل از دبستان، در بسیاری از خانواده‌ها، جای خود را باز کرده است. اگر در گذشته، تنها فرزندان پدران و مادران شاغل به مراکز رسمی تربیتی سپرده می‌شدند و کیفیت برنامه‌های این مراکز، برای اولیاء، اهمیت چندانی نداشت، اما امروزه حتی در خانواده‌هایی که امکان نگهداری کودک در خانه مهیاست، با انگیزه‌ی برخورداری فرزند از برنامه‌های تربیتی لازم، درصد بیشتری از خانواده‌ها، فرزندان خود را به مهدها و دیگر مراکز رسمی پرورشی می‌سپارند و درخصوص برنامه‌های تربیتی و تفریحی چنین مراکزی، حساسیت لازم را نشان می‌دهند.

گسترش شیرخوارگاه‌ها و کودکستان‌ها، به معنای دقیق علمی و تربیتی آن، از ضروریات زمان است و مسؤولیت سنگینی را به دوش دولت‌مردان می‌گذارد. به قول خانم «افراشی»: «فراموش نکنیم که تربیت و پرورش و کارا بارآوردن این نیروی تعیین‌کننده، می‌تواند نقشی بنیانی و تاریخ‌ساز در سیر ترقی و تعالی جامعه داشته باشد.»

کودکستان

منظور ما از کودکستان، ساختمان کهنه‌ای نیست که چند اطاق و حیاط کوچکی دارد و با چند نفر نگهبان کودک اداره می‌شود. منظور ما «باغ کودک» است؛ همان باغی که آقای «فردریک فروبل» آلمانی در نظر داشت و در سال ۱۸۱۷ اولین کودکستان خود را دایر کرد. همان باغی که



چگونه کودکان خود را قبل از دبستان تربیت کنیم؟

سوادآموزی

برخی از مادران و پدران عجول می‌کوشند زودتر از سن مدرسه، به کودکان خود، خواندن بیاموزند. این اشتباه بزرگی است. سوادآموزی، هزار پیچ‌وخم دارد و به‌طور دقیق، کاری کارشناسانه است.

در طول تاریخ سوادآموزی، ما با عجب روش آموزش خواندن روبه‌رو بوده‌ایم: الفبایی، صدای حروف، بخش کلمه‌ها، جمله و سوادآموزی از طریق داستان، تاریخ سوادآموزی، کارشناس‌های خود را به‌وجود آورده است. تجربه می‌گوید: «کار را به کاردان بسپار و در این امر حساس و ظریف، دخالتی نداشته باش.»

اجبار زمان

زنان پایه‌ی مردان در تمام فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و سیاسی شرکت خواهند کرد و بیشتر ساعت‌های بیداری خود را در خارج از خانه به‌سر خواهند برد و وقت کافی برای این‌که کودکان پیش از دبستانی را خود تربیت کنند، نخواهند داشت.

تنها با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد.

«رعد - ۲۸»

آن را که تویی چاره بیچاره نخواهد شد

خدایا!

همیشه در ذهن من باش.

وقتی که از خواب بیدار می‌شوم،

سراسر روز بر من بتاب.

بگذار هر دقیقه، زمانی باشد برای همنشینی با تو.

نگذار فراموش کنم

در هر ساعت، از این که با من مانده‌ای و خواهی ماند

تا صدای مرا بشنوی و به من پاسخ دهی

شکر به‌جا آورم.

خدایا!

وقتی که شب می‌رسد،

بگذار که افکارم از تو و عشق تو آرامش گیرند.

بگذار که خوابم از امنیت و مهر تو اطمینان داشته

باشد

و آگاه باشد که من، متعلق به تو هستم.

منبع: «مشکلات را شکلات کنید» «مسعود لعلی»



ساختمان و اطاق‌های بزرگ و آفتاب‌گیر، حیاطی به نسبت بزرگ، پر از باغچه و گل، استخر، تاب و سرسره و فضای کافی برای بازی و سالن همایش دارد و از آن مهم‌تر کارکنانش، کارشناس روان‌شناسی کودک و عاشق کارشان هستند و مهر و محبت از سر و روی‌شان می‌ریزد.

چنین کودکانی برنامه‌هایی دارد مانند: بازدید و گردش، بازی با شن و ماسه، پرورش گل و گیاه، کاردستی، نقاشی، قصه و داستان‌سرایی، شعر و ترانه، انواع بازی‌ها و اسباب‌بازی‌ها و...

بازدید و گردش

فضای بیرون از چارهدیواری خانه، به‌خصوص برای کودکانی که در آپارتمان زندگی می‌کنند، پر از تازگی و لطف و زیبایی است و بی‌جهت نیست که کودکان «دَدَر» را به‌عنوان اولین کلمه‌های زندگی خود می‌آموزند و گاه‌وبی‌گاه با اشاره به در خانه، از بزرگ‌ترها می‌خواهند آنان را از خانه بیرون ببرند و یا هنگامی که کسی از خانه بیرون می‌رود، با گریه و زاری، بی‌تابی خود را از بودن مستمر در خانه و محدوده‌ای عادت شده، نشان می‌دهد. مسؤولان و مربیان مهد، باید با توجه به این میل و خواست کودک، مطابق برنامه‌ای منظم، یکی دو روز هفته را به گردش و بازدید کودکان از نقاط دیدنی (پارک، سینما، باغ‌وحش و...) اختصاص دهند و امکان شناخت بهتر پدیده‌های زندگی و دنیای اطراف را برای کودک فراهم آورند.

بازی با شن و ماسه

کودکان، بازی با شن و ماسه را خیلی دوست دارند. می‌توان با جعبه‌های بزرگ پر از شن و ماسه‌ی ریز و نرم، کودک را واداشت که با استفاده از این وسیله‌های ساده، قوه‌ی ذوق و ابتکار خود را پرورش دهد و خلاقیت خویش را به‌کار اندازد.

حرکت‌های موزون و شعر و ترانه

موسیقی و حرکت‌های موزون، به‌شدت مورد علاقه‌ی کودکان است. خستگی را می‌زداید، نشاط می‌آورد و دوستی‌ها و هماهنگی‌ها را افزون می‌سازد. ترانه‌خوانی، توجه کودکان را جلب می‌کند و آنان به‌خوبی ترانه‌های مناسب سن‌شان را از حفظ می‌کنند.

خانم «افراشی» می‌افزایند:

«کودکان، حتی از نخستین روزهای تولد، نسبت به موسیقی، عکس‌العمل نشان می‌دهند و به‌مرور، با علاقه و اشتیاق، سرودها و ترانه‌های مخصوص خود را گوش می‌کنند و با تکرار آن‌ها، شور و نشاط خود را نسبت به این هنر پرقدرد، تجلی می‌کنند.

از طریق موسیقی و آموزش سرودها و ترانه‌های مخصوص کودکان، می‌توان آنان را به‌طور غیرمستقیم، به نظم عادت داد.

در تعلیم و تربیت امروز، استفاده از شعر و موسیقی مخصوص و مناسب برای کودکان، در مهدها و مراکز رسمی پرورشی، به‌طور تقریبی اساس کار را تشکیل می‌دهد و بسیاری از آموزش‌های غیرمستقیم نیز از طریق شعر و موسیقی انجام می‌گیرد.

در تجربه‌ی کاری خود، بارها موفق شده‌ایم کودکی بی‌تاب و عصبی یا ناراحت از مسأله‌ای خاص را، با استفاده از موسیقی مناسب و ترانه‌های مخصوص کودکان، آرام کنیم که این خود، از تأثیر شگفت‌آور زیبایی‌ها، در روح زیباشناس انسان حکایت دارد.